



و در فردای آن روز یحیی، عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد! یوحنا ۱: ۲۹



یوحنا ی رسول در این آیه با نقل قول از یحییای تعمید دهنده، از بزرگترین هدف خداوند پرده برمی‌دارد. خداوند در عهد قدیم با بیان موضوع قربانی بره در قالب شریعت، به دنبال نمایان ساختن برنامه خود برای بخشش گناهان انسان بود. او بارها در عهد قدیم از قوم اسرائیل خواست تا در نوبت‌های تعیین شده و به دلایل خاص، یک بره بی‌عیب را برای یهوه قربانی کنند.

در عهد قدیم موضوع قربانی حیوانات توسط انسان و تقدیم آن به خداوند تحت عنوان شکرگزاری، از کتاب پیدایش باب ۴ یعنی در داستان هابیل و قائل آغاز می‌گردد. با مطالعه عهد قدیم و مخصوصاً پنج کتاب تورات، درمی‌یابیم که هرچه از موضوع ورود گناه و اخراج آدم و حوا از باغ عدن دورتر می‌شویم، بیشتر با موضوع قربانی بره یا به صورت کلی، با قربانی حیوانات مواجه می‌شویم. قربانی بره در سه کتاب میانی تورات یعنی در خروج، لاویان و اعداد، موضوع اصلی بوده، به صورت حکمی پررنگ در شریعت خداوند نمایان می‌گردد.

خداوند در کتاب پیدایش باب ۲۲ تا حدودی از هدف خود مبنی بر قربانی بره، پرده برمی‌دارد اما این موضوع برای افرادی که به صورت فیزیکی در آن دوران می‌زیستند خیلی واضح و مبرهن نبود. در پیدایش ۲۲ با داستان قربانی کردن اسحاق مواجه می‌شویم و در آیه ۷ اسحاق که از همه چیز بی‌خبر است از پدر خود ابراهیم می‌پرسد: «اینک آتش و هیزم، اما بره قربانی کجاست؟». این مهمترین، بزرگترین و الهیاتی‌ترین سوال عهد قدیم است که توسط انسان مطرح شده است. ابراهیم در آیه ۸ این سوال را اینگونه پاسخ می‌دهد: «خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت». مطمئناً زمانی که ابراهیم به سوال اسحاق پاسخ می‌داد، خودش هم جوابی که داده بود را به درستی درک نکرده بود و تنها با ایمان به اینکه خداوند می‌تواند در لحظه قربانی کردن اسحاق، بره‌ای را به عنوان جایگزین فراهم کند اینگونه پاسخ داد و پیش رفت. او مهم‌ترین و عمیق‌ترین پاسخ را به این سوال داده بود که می‌توان گفت برای مدتی در حدود سه تا چهار هزار سال، برای انسان غیر قابل درک بود.

با مطالعه بخش‌های دیگر عهد قدیم درخواهیم یافت که بر اساس شریعت، قوم اسرائیل موظف بود هر ساله در مراسمی خاص چون عید فصح، بره‌ای بی‌عیب را قربانی کند. داستان عید فصح از کتاب خروج فصل ۱۲ آغاز می‌گردد. در این فصل خداوند به قوم اسرائیل فرمان می‌دهد که هر خانواده، بره‌ای را قربانی کنند و خون آن را بر سردر خانه‌های خود بپاشند تا هنگامی که فرشته مرگ از میان شهر عبور می‌کند با دیدن خون بره قربانی شده، از آن خانه بگذرد و نخست‌زاده آن خانه زنده بماند. همچنین خداوند در کتاب اعداد فصل ۲۸ از قوم اسرائیل می‌خواهد که هر روز صبح و عصر در هر نوبت یک بره نرینه بی‌عیب را قربانی کنند. قوم اسرائیل می‌پنداشت که ریختن خون بره منجر می‌شود تا خداوند گناه آنها را ببخشد اما این، مفهوم اصلی این حکم شریعت نبود. موضوع بره قربانی در کتاب اشعیا فصل ۵۳ به اوج خود می‌رسد و خداوند با به نمایش گذاشتن تصویری از قربانی شدن بره‌ای خاص در آینده‌ای نه چندان دور، مخاطبان خود را برای وقوع اتفاقی مهم آماده می‌سازد. او در این بخش از بره‌ای سخن می‌گوید که آن را ذبح خواهند کرد و خداوند گناه انسان را بر دوش او خواهد نهاد. اما این بره نزد بیهوشه جایگاه دیگری دارد و او با بر دوش گرفتن گناهان دیگران، اتفاق خاص و مهمی را رقم خواهد زد.

آیا ما نیز حاضر بودیم همچون ابراهیم فکر کنیم و در آن زمان حساس و احساسی،
فرزند خود را برای قربانی ببریم و ایمان داشته باشیم که خداوند حتماً بره قربانی را



فراهم خواهد کرد؟

آیا اگر در عهد قدیم می‌زیستیم قادر به درک مفهوم نقشه خداوند می‌بودیم؟
آیا حکم خداوند مبنی بر قربانی کردن بره را با ایمان به جا می‌آوردیم و یا همچون بسیاری، آن را
مورد تمسخر قرار می‌دادیم؟